

مرگ دوره‌م عروسی است



در این یادداشت از منظر خود به پیامدهای درازمدت کرونا بر سپهر سیاسی ایران خواهیم پرداخت. نشان خواهیم داد کرونا گرم‌ترین و فراگیرترین صحنه درگیری ذهن و روان ما با یک حادثه جهانی است. به این اعتبار می‌تواند نیاز ما به درکی جهانی از امور را تقویت کند. می‌تواند برای نخستین بار، ما را از دوگانه‌سازی‌های ناشی از کوتاه‌بینی‌های فرقه‌ای در عرصه فرهنگی و سیاسی برهاند.

مرگ دوره‌م عروسی است

محمدجواد غلامرضا کاشی / دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، March 22, 2020

این روزها همه جا سخن از کروناست. این ویروس جان انسان‌ها را هدف گرفته است. بنابراین گفتگو پیرامون آثار کوتاه مدت آن، به مراتب مهم‌تر از هر اثر درازمدت آن است. اما کرونا آثار دراز مدت هم دارد. از جمله در سیاست. در این یادداشت از منظر خود به پیامدهای درازمدت کرونا بر سپهر سیاسی ایران خواهیم پرداخت. نشان خواهیم داد کرونا گرم‌ترین و فراگیرترین صحنه درگیری ذهن و روان ما با یک حادثه جهانی است. به این اعتبار می‌تواند نیاز ما به درکی جهانی از امور را تقویت کند. می‌تواند برای نخستین بار، ما را از دوگانه‌سازی‌های ناشی از کوتاه‌بینی‌های فرقه‌ای در عرصه فرهنگی و سیاسی برهاند. می‌تواند در فضای تلخ این همه طرد و انکار، امکانی برای بازبینی خود و دیگران فراهم کند و شاید از زخم کرونا، رحمت بازبایی صلح آمیز خود را پیدا کنیم. مردم می‌گویند مرگ دور هم عروسی است. کرونا سوگواری کرده است. اما بیش از هر زمان دیگری با تجربه مرگ دور هم در عرصه جهانی روبروئیم. شاید برکت یک عروسی را در آستین پنهان کرده باشد. عرصه سیاسی یک آسمان دارد یک زمین. به آسمانش نگاه کنی، پر از ستاره درخشان است که همه تماشایی و خواستی‌اند: آزادی، عدالت، استقلال، فضیلت، معنویت، نوع دوستی و اما زمین اش مملو از طرد و ستیز و تنازع و حذف دیگران است. نکته جالب این است که جدال‌کنندگان زمینی سبدی در دست دارند و از همه ستاره‌ها نمونه‌ای در آن هست. همه طرفدار همه خوب‌های سیاست‌اند. هیچ‌کس مخالف دموکراسی نیست، همه جانبدار عدالت و صلح و نوع دوستی‌اند. اما آنچه آن‌ها را متفاوت می‌کند نوع اولویت‌گذاری‌شان است. کدام ستاره را در رتبه نخست چیده‌اند و چگونه بقیه را در دنبال آن سامان داده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران از یک انقلاب برآمد. ولی نظام اولویت‌گذاری و شاکله‌نهادی‌اش از جنگ برخاسته است. تا کنون به رغم حوادث مهمی نظیر جنبش اصلاحات، جنبش‌های مدنی و دموکراتیک، و جنبش‌های مربوط به طبقات فرودست، همچنان این نظام اولویت‌گذاری دوام یافته است

زمایش بزرگ بسیجیان و پاسداران فرارگاه جهادی شفا - خوزستان، ۲۸ اسفند ۱۳۹۸ | عکاس: مهدی پدram خو | تسنیم

سیاست در وجه گفتاری‌اش چیزی جز نظام اولویت‌گذاری نیست. هر جریان سیاسی بسته به موقعیت و فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی‌اش، سنجی از اولویت‌گذاری را اختیار کرده است. این نظام‌های اولویت‌گذاری بیهوده و صرفاً در نتیجه تبلیغات قدرت پیدا نکرده‌اند، حوادث است که قدرت گرفتن سنجی از اولویت‌گذاری بر سنج دیگر را باورپذیر کرده است. رویدادها سبب می‌شوند نظام اولویت‌گذاری یک جریان سیاسی، بر دیگر جریان‌ات اولویت پیدا کند و باد بر پرچم اقبالش بوزد.

جمهوری اسلامی ایران از یک انقلاب برآمد. ولی نظام اولویت‌گذاری و شاکله‌نهادی‌اش از جنگ برخاسته است. تا کنون برغم حوادث مهمی نظیر جنبش اصلاحات، جنبش‌های مدنی و دموکراتیک، و جنبش‌های مربوط به طبقات فرودست، همچنان این نظام اولویت‌گذاری دوام یافته است. اگرچه هر یک به سهم خود تغییراتی را در آن رقم زده است. کرونا اما از سنج دیگری است و نظام برآمده از آن برای تداوم خود با چالش بزرگ خروج از خاص‌گرایی مواجه است. در این یادداشت به این نکته خواهیم پرداخت.

جنگ و نظام اولویت‌گذار آن

جنگ مهم‌ترین و گرم‌ترین رویدادی است که دوگانه‌ماندگار می‌سازد: مای خوب و ذبیح، در مقابل آن‌های خصم و باطل و دیو‌صفت. با حماسه و فداکاری توأم است و ارزش‌هایی خلق می‌کند که به کلی از محدوده حساب و کتاب‌های متعارف دور است. قهرمان‌ساز است. در آن شکست و پیروزی و پایداری و مقاومت ارزشمند است. فرّ و شکوه و شجاعت در آن محوریت دارد. در جنگ‌ها اسطوره‌ها و باورهای دینی و عرفانی به خدمت گرفته می‌شوند تا به صحنه جنگ قدسیت عطا کنند. با این نظام پرقدردانی‌اش، این قابلیت را پیدا می‌کند که یک نظام اولویت‌ساز عرضه کند و بار معنایی خود را به همه چیز منجمله فرهنگ و دین ساری کند. یک مبنای تازه بسازد برای فهم و تفسیر متون دینی و تاریخی و حماسی. جنگ ما و صدام حسین نظمی از سخن تولید کرد و الگویی از فهم جامعه عرضه کرد و مطابق با این همه الگویی از اولویت‌گذاری ساخته شد. توسعه، دموکراسی، عدالت، دین، معنویت، و اقتصاد و فرهنگ معنا و جایگاهی به خود اختصاص دادند. سمت و سوی توسعه به سمتی قابل قبول بود که کشور را به یک کل بی‌نیاز از عالم تبدیل کند. دموکراسی به یک مناسک اثبات‌پشتیبانی مردم از نظام تعبیر شد. عدالت مصداق خود را در مبارزه با کشورهای قدرتمند جهان پیدا کرد. معنویت پشت کردن به تمنیات مادی و مقاومت در صحنه مبارزه و جنگ حق و باطل فهم شد. فرهنگ انتقال مفاهیم و ارزش‌های مویذ فداکاری و نبرد بود. خلاصه جنگ و مقاومت به کانون بازتعریف همه چیز تبدیل شد و به دنبال خود بازسازی نهادی امور تصمیم‌گیری و اجرایی.

گفتار برآمده از جنگ واحد ارزش‌های انسانی مهمی نظیر فداکاری، گذشت و رشادت است. اما از نحوی خاص‌گرایی‌رنج می‌برد. یک اقلیت شجاع و از خود گذشته را در کانون قرار می‌دهد، اکثریت را به حاشیه تماشاگر و تشویق‌کننده تبدیل می‌کند و به همه چیز و همه کس با دیده تردید می‌نگرد. مستعد پرورش نوعی خودشیفتگی و تحقیر و نادیده‌انگاری دیگران است. همه کشورهای جهان را به سه گروه تقسیم می‌کند: اقلیت همسو، اقلیت بی‌طرف و اکثریتی که در جایگاه خصم نشسته‌اند. جنگ مقدس چنان اولویت پیدا می‌کند که همه امور دیگر مدیریت امور عمومی به حاشیه می‌روند و به بنگاه‌های تامین‌کننده امکانات پیشبرد جنگ تبدیل می‌شوند. به کثرت عرصه عمومی به منزله وجه جدایی‌ناپذیر حیات سیاسی بدبین است، و ارزش‌های سیاسی نظیر مدارا، نگرش بی‌طرف و عام در آن کمتر امکان پرورش دارد.

می‌توان همه منازعات سه دهه گذشته را حول به پرسش گرفتن این الگوی اولویت‌گذاری فهم کرد. اصلاح‌طلبان از دل یک حادثه انتخاباتی ظهور پیدا کردند. آنها مدعی یک نظام اولویت‌گذاری تازه بودند. می‌خواستند دموکراسی و توسعه را اولویت دهند و پیرو این اولویت‌گذاری تازه، به همه مفاهیم آسمانی عرصه سیاست در ایران سامانی تازه ببخشند. در چشم آنها انقلاب و جنگ رویدادهای پشت سر گذاشته شده بود و ضرورت داشت صحنه تازه‌ای آراسته شود و مفاهیم و اولویت‌های تازه در دستور کار مدیریت امور

سیاسی واقع شود. چهره و کلام اصلاح طلبان مسالمت جو بود، اما فی الواقع به میدان نزاعی تند برای حذف تام و تمام جنگ در نظام اولویت گذاری رسمی نظام وارد شده بودند. به همین جهت جدالی سخت در گرفت.

کرونا قطعا در منازعات سیاسی در ایران نقش خواهد آفرید. بدون تردید موازنه میان گفتار برآمده از جنگ، گفتار اصلاح طلبان و براندازان در نتیجه تجربه و حادثه کرونا، دگرگون خواهد شد

به قدرت رسیدن راست های محافظه کار در آمریکا و ظهور بوش و رویدادهای پس از یازده سپتامبر، جنگ دوم خلیج فارس و فرصت های تازه عمل برای نیروهای ایرانی در منطقه، فرصت های گفتاری اصلاح طلبان را به حاشیه برد. امید حرکت به سمت مناسبات دمکراتیک تضعیف شد. طبقه متوسط قدرت گرفته در پرتو گفتار اصلاحات، از نیمه دوم دهه هشتاد و همزمان با قدرت پیدا کردن احمدی نژاد رو به ضعف رفت. گفتار برآمده از دوران جنگ دوباره قدرت گرفت. به قدرت رسیدن ترامپ پس از دوران اوباما، نیز میدان تازه ای برای قدرت گرفتن گفتار برآمده از جنگ تولید کرد. مانورهای نظامی ایران، اثرگذاری بر میدان های پرمخاطره عراق و سوریه و لبنان، گفتار برآمده از جنگ را دست کم برای شماری از نیروهای ایرانی تقویت کرد. گفتار برآمده از جنگ به برآمدن دوباره خود در افق های آینده ایران می نگرد. در این بازسازی، جایگاه انتخابات و دمکراسی را تنزل داده است. تصمیم گرفت هزینه پذیرش انتخابات گرم را در انتخابات مجلس سال ۱۳۹۸ نپذیرد و به جای آن تلاش سریع برای یکدست سازی سازمان سیاسی را پیش بگیرد. بر این خیال است که با این اقدام، نظامی قدرتمند و کارآمد خواهد ساخت. با قدرت های جهانی سخن خواهد گفت. قدرت منطقه ای خود را به فرصت های اقتصادی برای مردم تبدیل خواهد کرد و برای همیشه ثابت خواهد کرد چگونه می توان از منطق خودبسند و سازگار برآمده از جنگ، همه مشکلات را حل کرد. آنها به یک قدرت قاهره نظامی می اندیشند و خیال می کنند مردم از بی سامانی در کشور خسته اند و متقاعد شده اند که به یک نظام قدرتمند تن در دهند. این نگاهی است که همچنان جاری است. تصور بر این است که اگر هم کرونا لختی توقف ایجاد کرده باشد، اما قطاری که به راه افتاده به زودی به مقصد از پیش طراحی شده خواهد رسید.

کرونا و پیامدهای سیاسی آن

کرونا یک اتفاق پیش بینی نشده بود. یک مهمان ناخوانده که همه چیز را مبهم کرده است. برای گفتاری که چشم انداز آینده را از آن خود می بیند، کرونا یک ویروس مزاحم تلقی شد. بدشگون و بی وقت آمد. ابتدا رسوخ کرونا در ایران یک شایعه دانسته شد. اما شایعه هر روز چهره سیاه و تلخ خود را نشان داد و به تدریج معلوم شد حادثه گسترده تر از آن است که انکار شود. گفتار برآمده از جنگ نمی دانست با این مهمان ناخوانده چه کند چگونه در نظام اولویت گذاری اش آن را جایگذاری کند. یلاتکلیفی و تاخر و سکوت اولیه گفتار جنگ بستر ساز ظهور گفتار تازه ای و نظام اولویت گذاری تازه شد. این بار نه روشنفکران و غرب زدگان، بلکه پزشکان دایر مدار بودند. آنها برنامه و نحوه مواجهه با این پدیده را نوشتند و راهی مراکز تصمیم گیری کشور شدند. مطابق با نظام اولویت گذاری آنان سلامت مردم در اولویت بود. برای تامین سلامت آنان نیز سازماندهی تازه ای در فضای زندگی مردم ضرورت پیدا می کرد. گویی کودتایی اتفاق افتاده باشد که عاملانش نه نظامیان بلکه پزشکانند. آنها دستور دادند همه سنخ های تجمع مردم مسدود و محدود شود. فرمان به بستن دانشگاه ها و مدارس محدود نشد، حتی پا از گلیم خود درازتر کردند و خواهان تعطیلی نمازهای جمعه و مراکز دینی نظیر حرم امام هشتم شیعیان و امام زاده های مهم دیگر نیز شدند.

این وضعیت برای گفتار برآمده از جنگ قابل تحمل نبود. آنها نباید از غافل عقب می افتادند و منفعل می ماندند. نظامیان به خط شدند تا در این زمینه فعال شوند. تحلیل های تازه به میان آمد مبنی بر آنکه کرونا یک پدیده طبیعی نیست بلکه از آزمایشگاه های جنگی آمریکایی سرآوردده است. اما توفیقی حاصل نشد. میدان داران واقعی کرونا پزشکان بودند و با توسعه بحران به اروپا و به خصوص به آمریکا، آمریکایی بودنش باورپذیر نبود.

کرونا قطعا در منازعات سیاسی در ایران نقش خواهد آفرید. بدون تردید موازنه میان گفتار برآمده از جنگ، گفتار اصلاح طلبان و براندازان در نتیجه تجربه و حادثه کرونا، دگرگون خواهد شد. ترسیم چشم انداز این تغییرات را باید به آینده سپرد. اینکه ماجرا تا کی تداوم خواهد یافت، چه پیامدهایی از خود به جا خواهد گذاشت، هر نیروی اجتماعی چطور عمل خواهد کرد، وضعیت مردم چگونه خواهد بود، همه در تعیین سرنوشت این منازعه نقش بازی خواهد کرد اما نگارنده خیال می کند می توان از ماجرای کرونا انتظار دو تحول در عرصه سیاسی ایران داشت.

اول اینکه کرونا مساله سلامت و زندگی و اداره امور متعارف مردم را در کانون قرار داده، و این مسئله بر هر آرمان بلندی تقدم یافته است. به این اعتبار وجه کانونی بسیاری از شعارها تضعیف خواهند شد و نحوی بازآرایی را به همه جریان های سیاسی دیکته خواهد کرد. جریان برآمده از جنگ، باید نشان دهد چه فکری برای ساختار درهم ریخته کشور در موقعبت های بحرانی کرده است. باید نشان دهد درکی از دولت به مثابه سقف حافظ سلامتی و رفاه اولیه همه مردم دارد. اصلاح طلبان نیز اگر قرار است آینده ای داشته باشند باید فهم خود را از شعار کانونی دمکراسی خواهی بازآفرینی کنند و نشان دهند دمکراسی مدنظر آنان برای مردمانی که در مواقع بحرانی اینهمه بی پناهند، چه فکری کرده است. مساله اصلی جناح های سیاسی پس از بحران کرونا فقدان دولت به مثابه ارگان نیرومند مدیریت امور عمومی است. همه باید به این فقدان عمیق و ملزومات اقتصادی، بوروکراتیک، و سیاسی آن بیاندیشند. این مساله کانونی شده است که هم به تداوم مقاومت مقدس مشروعیت خواهد بخشید و هم به خواست دمکراسی. دولت و بازسازی ساختار سیاسی مشروع و کارآمد و نیرومند مساله اصلی است. موضوعی که صرفا یک امر بوروکراتیک نیست به اعاده اعتماد عمومی و سازماندهی کارآمد حیات سیاسی مردم ارتباط دارد.

دوم بازسازی ارزش های سیاسی. از حیات سیاسی و تشکیل یک سازمان سیاسی قدرتمند و موثر سخن گفته شد، این خواست جز با خروج از نظام ارزش های خاص گرایانه تامین نخواهد شد. ما در دوگانه سازی های آشتی ناپذیر زندگی می کنیم. دوگانه سازی هایی که خاص گرایانه، فرقه ای و فاقد نگرش عام گرایانه سیاسی است. به این معنا همواره در یک فضای بیسازمانی زندگی می کنیم و از فضائل حیات سیاسی محرومیم. در گفتار برآمده از جنگ دوگانه سازی حق و باطل می درخشد. دوگانه سازی دیکتاتوری و دمکراسی خواهی نیز حاصل دوگانه سازی میدان انتخابات است و سنخی دیگر از خاص گرایی را در جامعه ایرانی تقویت کرده است. هر کدام داغ یک حادثه تاریخی را پشت سر دارند. یکی از اسلام و امر بومی در مقابل سنت غرب دفاع می کند یکی از سنت غربی در مقابل آنچه اسلامی و ایرانی و اینجایی خوانده می شود. کرونا اما حادثه ای است که این سنخ از دوگانه سازی ها را بی اعتبار می کند.

کرونا اولین حادثه جهانشمول است که ایران به طور مستقیم و جدی در آن درگیر شده است. مشروطه، نهضت ملی نفت، انقلاب اسلامی، جنگ، رویداد دوم خرداد، جنبش سبز یا حوادث آبان ماه، همه حوادث اینجایی، ملی، دینی، طبقاتی و گروهی اند. شاید تنها حادثه ای که در ابعادی کوچک تر از کرونا جهانی بود و ما مستقیما درگیر آن شدیم، جنگ های جهانی بود. اما ابعاد و عمق کرونا حتی بیش از آن حوادث است. ما ایرانی ها همان چیزی را در حالی تجربه می کنیم که یک ایتالیایی، یک آمریکایی، یک اروپایی و یک ژاپنی.

تجربه می کند. ما ایرانی ها مرتباً منتظر تلاش دانشمندان آمریکایی یا چینی برای پیدا کردن داروی این بیماری وحشتناک هستیم. کرونا برای نخستین بار دوگانه سازی هایی را که ما نیم قرن است در آن زیست می کنیم معلق کرده است. البته زبان و سیاست هیچ گاه از دوگانه سازی نمی رهد اما فعلاً دوگانه سازی هایی که صحنه سیاسی ایران از آن انباشته است، به تعطیلات رفته اند.

گفتار برآمده از جنگ به برآمدن دوباره خود در افق های آینده ایران می نگرند. در این بازسازی، جایگاه انتخابات و دموکراسی را تنزل داده است. تصمیم گرفت هزینه پذیرش انتخابات گرم را در انتخابات مجلس سال ۱۳۹۸ نپذیرد و به جای آن تلاش سریع برای یکدست سازی سازمان سیاسی را پیش بگیرد. بر این خیال است که با این اقدام، نظامی قدرتمند و کارآمد خواهد ساخت. با قدرت های جهانی سخن خواهد گفت. قدرت منطقه ای خود را به فرصت های اقتصادی برای مردم تبدیل خواهد کرد و برای همیشه ثابت خواهد کرد چگونه می توان از منطق خودبسنده و سازگار برآمده از جنگ، همه مشکلات را حل کرد.

کرونا یک رویداد جهانی است. همه جهان را نگران کرده است. افزایش بیماری کرونا در ایران تنها ما را نگران نمی کند، همزمان اروپایی ها و آمریکایی ها را نگران می کند. بهبود کرونا در یک کشور آسیایی و توقف شیوع آن در چین، تنها چینی ها را خوشحال نمی کند ما ایرانی ها را هم خوشحال می کند. ضایعه تلخ کرونا، اولین رویداد جهانی است که در این حد عمیق و گرم در حال تجربه آن هستیم. هم انقلاب و هم جنگ، رویدادهای گرم محسوب می شوند، کرونا نیز یک تجربه گرم محسوب می شود. کرونا پیامدهای سیاسی خود را خواهد داشت. همه گفتارهایی که امروزه در صحنه سیاسی ایران جولان می دهند، تنها به شرط درونی کردن این رویداد جهانی شده، قادر به تداوم در حیات سیاسی ایران هستند. کرونا همه ما را فراخوانده است تا علاوه بر دست ها چشم ها را هم بشوئیم و به نحوی دیگر به امور بنگریم.

کرونا جهانی اندیشیدن را به همه ما تحمیل کرده است. ما کمتر خود را عضو از یک جامعه جهانی ببینیم. کمتر خود را در عرصه جهانی به مثابه یک عضو مسئول عمل کنیم. عضوی قابل اعتماد در تحقق صلح و عدالت در عرصه جهانی. ما هنگام تامل نسبت به ارزش ها و موراثت تاریخی مان، کمتر به آن فکر کرده ایم چگونه آنها را بازآفرینی و بازخوانی کنیم که به غنای یک حیات جهانشمول مدد کند. این فقدان عام اندیشی، تنها در حضور بین المللی به ما آسیب زده است. بلکه در عرصه داخلی نیز آسیب زا بوده است. فقدان این عام اندیشی، مانع شده است که یک جریان سیاسی به رغم تلاش هایی که برای کسب قدرت سیاسی می کند درکی عام گرایانه از منافع ملی داشته باشد. مانع از آن شده است که حکومت کنندگان به جد خود را نماینده یک ملت با همه تنوعاتش بدانند. کرونا بستر چنین تحولی را در درازمدت فراهم می کند.

تجربه کرونا یک تجربه جهانی است. همه ما را در عرصه جهان به تولید ارزش های جهانی فراخوان می کند. همه ما را به این نکته واقف کرده است که چگونه آنچه به من و ما تعلق دارد، می تواند به همگان تعلق داشته باشد. کرونا ما را فراخوان می کند که همه موراثت فرهنگی خود را با چشم اندازی جهانشمول بازفهم و تفسیر کنیم. چگونه می توانیم مسلمان باشیم و برای جهانیان به اعتبار مسلمان بودنمان، امنیت و آرامش به بار بیاوریم. چگونه می توانیم ایرانی باشیم و ایرانی بودنمان را فرصتی برای زیست انسانی در عرصه جهان تبدیل کنیم. در صحنه داخلی چگونه با هم رقابت کنیم و در الگوی رقابت و ستیزمان، خیر عموم مردم را مد نظر قرار دهیم. چگونه حکومت می تواند نماینده همه مردمان باشد و در نمایندگی مردم خود، بازیگر فعالی برای ساختن جهانی صلح آمیزتر و عادلانه تر از امروز باشد. کرونا بند رابطه های پیشین ما را پاره کرده است. کشورها مرزهای خود را بر هم بسته اند، مردم در شهرها به خانه هاشان کوچیده اند، از تجمعات بزرگ می هراسیم. اما پاره شدن، می تواند مقدمه ای باشد برای گره خوردن بندهای پیشین و نزدیک تر شدن ما به یکدیگر باشد.